

بررسی تأثیر آزادسازی تجاری بر شکاف فقر کشورهای منتخب

ابوالحسن خداداد پور^{۱*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۳۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

چکیده

آزادسازی تجاری و فقر از موضوعات مورد توجه ادبیات توسعه اقتصادی در سال های اخیر بوده است؛ بنابراین، هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر آزادسازی تجاری بر شکاف فقر کشورهای منتخب بین سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ بوده است. نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که با استفاده از داده های تابلویی فرضیه اصلی مورد تأیید قرار گرفته است. به بیان دیگر بین نسبت آزادسازی تجاری به درآمد ملی و شکاف فقر یک رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج دیگر فرضیه های تحقیق نیز نشان می دهد که بین نسبت آزادسازی تجاری به واردات و نسبت آزادسازی تجاری به مخارج مصرفی با شکاف فقر رابطه معناداری منفی در بین کشورهای منتخب در حال توسعه وجود دارد.

واژگان کلیدی

آزادسازی تجاری، شکاف فقر، داده های تابلویی، کشورهای منتخب.

۱. دکتری مدیریت بیمه، دانشگاه تجارت و مهندسی لندن. (Mhs2620@yahoo.com)

(۱) مقدمه

آزادسازی تجاری طی دهه های اخیر، همواره به عنوان مقوله ای مهم مورد توجه اقتصاددانان، برنامه ریزان و سیاست گذاران کشورهای مختلف بوده است. براساس نظریه های اقتصادی باز بودن تجارت منجر به شکل گیری نظام تولید کشورها بر پایه مزیت نسبی شده و به تبع آن از منابع موجود در کشور به نحو کارآتری استفاده خواهد شد؛ به عبارت دیگر بازبودن تجارت به عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه شناخته می شود و نظریات متعددی بر نقش روزافزون تجارت بر رشد و توسعه کشورها تاکید دارند. باور گسترده ای وجود دارد که باز بودن تجارت در بلندمدت موجب رشد و توسعه اقتصادی می شود و دستیابی به رشد اقتصادی و توسعه پایدار یکی از اساسی ترین اهداف هر کشوری محسوب می شود. از سوی دیگر، فقر یکی از مباحث مهم در ادبیات توسعه بوده و زدودن آن از جامعه از اهداف اصلی توسعه اقتصادی است. فقرزدایی یکی پدیده چندبعدی و پیچیده است که یکی از چالشهای عمده سیاست گذاران در کشورهای در حال توسعه به شمار می رود. کاهش فقر، هدف اصلی سیاستهای توسعه اقتصادی است و در اهداف هزاره به عنوان یک هدف سیاستی مهم شناخته شده است (عطر روشن و هاشمی، ۱۳۹۵).

تورم در کشورهایی که دولت نقش مهمی در اقتصاد دارد و تغییرات عمده حجم نقدینگی توسط دولت صورت می پذیرد، نوعی پس انداز اجباری تلقی می شود که به تملک دولت در می آید. در واقع دولت با افزایش حجم نقدینگی و ایجاد تورم، از مردم نوعی مالیات به صورت افزایش قیمت می گیرد و نوعی جریان انتقال ثروت از سوی کسانی که درآمدهای ثابت دارند به سوی کسانی که افزایش حجم نقدینگی به آنها تعلق می گیرد ایجاد می گردد و باعث تشدید معضلات اقتصادی و گسترش شکاف فقر در جامعه می گردد همچنین افزایش درآمد باعث بالا رفتن سطح زندگی مردم شده و موجب کاهش فقر می گردد (مروج و خراسانی، ۱۳۹۴).

با توجه به مباحث گفته شده، در این تحقیق سعی شده است که ارتباط میان آزادسازی تجاری، واردات، درآمد ملی و مخارج مصرفی بر شکاف فقر کشور های منتخب مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. مهمترین منظور این تحقیق، بررسی اثر گذاری این متغیرها بر شکاف فقر در کشورهای منتخب دوره ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۵ می باشد. در راستا این هدف متغیرهایی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد شامل متغیرهای کلان اقتصادی می باشد. با توجه به هدف فوق الذکر سوال اصلی تحقیق " نحوه تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر شکاف فقر " طرح نموده است و در طی انجام این تحقیق در جهت پاسخگویی رابطه متقابل و مبهم آزاد سازی تجاری بر شکاف فقر در کشورهای منتخب در دوره زمانی مورد نظر می باشد که از آن به عنوان جنبه مجهول تحقیق یاد می شود و تلاش می شود این مهم در این تحقیق مشخص شود.

(۲) ادبیات موضوع

آزاد سازی تجاری طی دهه های اخیر، همواره به عنوان مقوله ای مهم مورد توجه اقتصاددانان و سیاستمداران کشورهای مختلف بوده است. مطالعات متعددی کوشیده اند تا ابعاد مختلف آزاد سازی را مورد ارزیابی قرار دهند. این مطالعات

حاکمی از حرکت کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به سمت آزادی بیشتر تجارت است (پور مقیم، ۱۳۹۰). آدامز اسمیت^۱ از اقتصاددانان به نام مکتب کلاسیک، تجارت خارجی را ابزاری جهت وسعت بازار داخلی و افزایش تولید می دانست. نرکس^۲ در نظریه رشد متعادل اقتصادی و دور باطل فقر، یکی از راه های شکست این دور را گسترش بازار می داند. بر طبق نظریه یکی از راه های گسترش بازار نیز از بین بردن موانع تجاری می باشد (توپالوا^۳، ۲۰۱۰).

در کنار نظریات یاد شده، نظریه های مخالفی نیز وجود دارد که وابستگی به تجارت خارجی را به عنوان یکی از عوامل مشترک عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه می دانند. بر اساس این نظریه، این گونه کشورها با تکیه بر صادرات مواد اولیه و واردات کالاهای مصرفی، واسطه ای و سرمایه ای باعث می شوند که شکاف میان اغنیا و فقرا بیشتر شود. به طوری که به عقیده میردال^۴ تجارت خارجی یک نوع اثر بازدارنده در راه توسعه کشورهای در حال توسعه است. وی بر این باور است که تجارت در کشورهای توسعه نیافته به مثابه یک نیروی بالقوه قدرتمند در جهت منافع اغنیا و مناطق پیشرفته عمل می کند و این به زیان مناطق فقیرتر است (کاردیل و همکاران^۵، ۲۰۱۲). علی رغم وجود نظریه های متفاوت پیرامون اثر گسترش تجارت خارجی، بیشتر اقتصاددانان معتقدند که در درازمدت، اقتصادهای باز بهتر از اقتصادهای بسته عمل می کنند و سیاست های نسبتا باز، کمک مهم و معنی داری به توسعه می کنند و به طور کلی نظریه اقتصادی از سیاست های آزادسازی تجاری حمایت می کند. به نظر می رسد یکی از دلایل وجود اختلاف نظر پیرامون اثرات آزادسازی، تفاوت در یافته های مطالعات می باشد. یافته های مطالعات در رابطه با اثر آزادسازی بر جنبه های مختلف اقتصاد به طور کامل با تئوری آزادسازی تجاری سازگار نیستند. به عنوان مثال تاکنون رابطه مثبت آزادسازی تجاری و رشد اقتصادی با قاطعیت تایید نشده است و بسته به نوع داده ها و شرایط مختلف کشورها و روش تحقیق استفاده شده، نتایج به دست آمده با هم متفاوت بوده است (دس و همکاران^۶، ۲۰۰۷). همچنین بیشتر مفسران اقتصادی، واهمه دارند که در کوتاه مدت با یک گام به جلو آزاد سازی تجاری وضع فقرا در اقتصاد بدتر شود و حتی در بلندمدت با وجود گسترش رژیم های باز هنوز تعداد زیادی از مردم پشت خط فقر بمانند. مطابق برخی از مطالعات، به دنبال آزاد سازی و افزایش رشد اقتصادی از طریق افزایش بهره وری عوامل تولید می توان شکاف فقر را نیز کاهش داد (کریمی، ۱۳۹۰).

نظریه دیگری که مرتبط با تاثیر باز بودن تجارت بر فقر و نابرابری است نظریه تغییرات تکنولوژی مهارتگرا است. طبق این تئوری اتخاذ یک فناوری جدید برونزا در پی باز شدن تجارت منجر به انتقال اشتغال از نیروی کار غیرماهر به نیروی کار ماهر و در نتیجه افزایش دستمزدها و سطوح اشتغال آنها میشود. تجارت کشورهای در حال توسعه که با

^۱. Adams smith

^۲. Nerkes

^۳. Topalova

^۴. Mirdall

^۵. Cardeal, et al

^۶. Dess, et al

و فور نیروی کار کم مهارت مواجه هستند با کشورهای توسعه یافته، مبتنی بر افزایش واردات از کشورهای توسعه یافته مخصوصا در قالب ماشین آلات و تجهیزات بوده و باعث افزایش تقاضا و دستمزدهای نسبی نیروی کار ماهر (که درجه بالای مکملیت بین نیروی کار ماهر و سرمایه وجود دارد) می شود. در نتیجه منجر به بروز تفاوت های دستمزد بین نیروی کار ماهر و کم مهارت و افزایش نابرابری و شکاف فقر در کشورهای در حال توسعه می شود. برخی استدلال می کنند که افزایش دستمزدهای نیروی کار ماهر همواره موجب آسیب رساندن به نیروی کار غیرماهر نمی شود انتظار می رود تجارت به صورت مستقیم از طریق کانال های مهمی از جمله تغییر قیمت های نسبی مواجه با خانوارها و مصرف کنندگان و تولید کنندگان، بازار کار (به عبارت دیگر اشتغال و تعدیل دستمزدها) و نقش مالیات بندی و درآمد دولت بر فقر تاثیر بگذارد (منیندز و همکاران^۷، ۲۰۰۹).

۳) پیشینه تحقیق

بالداراگو و سالیناس^۸ (۲۰۱۷)، به بررسی آزادسازی تجاری بر فقر طی دوره زمانی ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۴ در پرو پرداختند. نتایج نشان می دهد که کاهش تعرفه و شاخص های اجتماعی و اقتصادی رابطه معکوس برقرار است. همچنین با افزایش مخارج مصرفی و کاهش بیکاری، شکاف فقر کاهش می یابد.

کارنیرو و کواک^۹ (۲۰۱۶)، به بررسی آزاد سازی تجاری بر اشتغال نیروی انسانی در برزیل پرداختند. نتایج نشان می دهد که با افزایش آزاد سازی تجاری و کاهش تعرفه وارداتی، رقابت های داخلی و خارجی افزایش یافته و باعث افزایش تولید و اشتغال می گردد؛ بنابراین رفع تعرفه های گمرکی باعث افزایش تولید و تحرک نیروی انسانی می گردد.

لیم و مکnelis^{۱۰} (۲۰۱۴)، در مطالعه ای به بررسی رابطه بین باز بودن تجارت و ضریب جینی با استفاده از داده های تابلویی برای مجموعه داده های ۲۱ کشور با درآمد کم تا متوسط طی دوره زمانی ۱۹۹۲ الی ۲۰۰۷ پرداختند. نتایج آنها نشان می دهد که رشد اقتصادی منجر به کاهش نابرابری میشود و باز بودن تجاری ممکن است ضریب جینی را افزایش یا کاهش دهد.

برگ و نیلسون^{۱۱} (۲۰۱۴)، با استفاده از روش داده های تابلویی و به کارگیری داده های ۱۱۴ کشور بین سالهای ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۷ به بررسی رابطه بین فقر و آزادسازی تجاری پرداخته اند.

ترابسی و لیوان^{۱۲} (۲۰۱۳)، با این عقیده که مبارزه با فقر و نابرابری های اجتماعی یکی از بزرگترین چالشهای کشورهای در حال توسعه است و این کشورها باید خودشان را به وسیله آزادسازی تجاری با نظم نوین اقتصادی جهانی وفق دهند، در مطالعه ای به بررسی تاثیر آزادسازی تجارت بر فقر پرداختند. آنها با استفاده از داده های تابلویی در

⁷. Menendez, et al

⁸. Baldarrago & Salinas

⁹. Carneiro & Kovak

¹⁰. Lim & Mcnelis

¹¹. Berg & Nilson

¹². Trabelsi & Liouane

نمونه ای از ۲۰۱ کشور در حال توسعه طی دوره زمانی ۱۹۸۰ الی ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج آنها بیانگر این است که تجارت عامل اصلی تأثیرگذار بر نابرابری و تداوم فقر نیست.

عطرکار روشن و هاشمی (۱۳۹۵)، به بررسی تأثیر باز بودن تجارت بر فقر در ایران طی سالهای ۱۳۵۲ الی ۱۳۹۲ است. یافته های تحقیق بیانگر آن است که باز بودن تجارت موجب افزایش رشد اقتصادی شده و به صورت غیرمستقیم از طریق رشد اقتصادی بر فقر تأثیر گذاشته است.

حکمتی و همکاران (۱۳۹۴)، به بررسی اثر جهانی شدن بر شاخص فقر انسانی کشورهای دارای توسعه انسانی بالا (شامل ایران) طی سال ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۲ پرداخته است. نتایج مطالعه حاکی از تأثیر منفی و معنادار متغیرهای آزادسازی تجاری، رعایت حقوق مالکیت، تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی، اثربخشی دولت، کنترل فساد و همچنین اثر مثبت نسبت جمعیت روستایی و تورم بر شاخص فقر انسانی است.

شاه آبادی و امیری (۱۳۹۲)، تأثیر تجارت بر فقر را در کشورهای اسلامی گروه دی هشت در بازه ی زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ با استفاده از روش داده های ترکیبی نامتوازن بررسی کرده اند. نتایج نشان دهنده تأثیر بی معنی توتجارتسعه مالی بر فقر است. همچنین نتایج تأثیر منفی و معنی دار متغیر رشد درآمد بر فقر را نشان می دهد.

۴) یافته های تحقیق

با استفاده از مطالعات بالداراگو و سالیناس (۲۰۱۷) می توان به مدل تحقیق را به صورت زیر در نظر گرفت:

$$POV_{it} = \beta_0 + \beta_1 GNP_{it} + \beta_2 OPEN_{it} + \beta_3 EXP_{it} + U_{it}$$

در این پژوهش، جهت بررسی تأثیر آزاد سازی تجاری بر شکاف فقر در کشورهای منتخب از الگوی (۴-۱) می توان

بهره جست؛ بنابراین متغیرهای نسبت آزاد سازی تجاری به درآمد ملی، نسبت آزاد سازی تجاری به واردات و نسبت

آزاد سازی تجاری به مخارج مصرفی به عنوان متغیرهای مستقل و شکاف فقر به عنوان متغیر وابسته معرفی می شوند. در

آزمون اف لیمر فرضیه صفر دلالت بر وجود مدل تلفیقی دارد اما فرضیه مقابل مبنی بر وجود مدل پانلی می باشد. با توجه

به فرضیات آزمون اف لیمر، آماره این آزمون به صورت زیر ارائه می گردد:

جدول (۱): نتایج آزمون اف لیمر

نام آزمون	آماره آزمون	احتمال
لیمر F آماره آزمون	۱۴,۲۸	۰,۰۰۰۰

منبع: یافته های تحقیق

. پس از تشخیص پانلی بودن مدل، باید وجود اثرات ثابت یا تصادفی در مدل تحقیق اثبات شود؛ بنابراین با استفاده از

آزمون هاسمن می توان به وجود ثابت یا تصادفی بودن اثرات پی برد؛ بنابراین فرضیه صفر آزمون هاسمن دال بر وجود

اثرات تصادفی است. نتایج برآورد آزمون هاسمن به صورت زیر ارائه می گردد:

جدول (۲): نتایج آزمون هاسمن

نام آزمون	آماره آزمون	احتمال
آماره آزمون هاسمن	۱۸,۶۰	۰,۰۰۰۰

منبع: یافته های تحقیق

نتایج حاصل از برآورد الگو تاثیرگذاری آزادسازی تجاری بر شکاف فقر در کشورهای منتخب طی دوره زمانی ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۵ در جدول (۳) قابل مشاهده می باشد. بر اساس این نتایج ضرایب تمامی متغیرهای تحقیق معنادار می باشد که بر پذیرش فرضیه های تحقیق تایید می کند. به عبارتی آزادسازی تجاری اثر معناداری بر شکاف فقر در کشورهای منتخب دارند که در جدول (۳) ارائه می گردد:

جدول (۳): نتایج برآورد الگوی پژوهش با استفاده از روش GLS برای کشورهای منتخب

متغیرهای مستقل	ضرایب	مقدار آماره t	احتمال
عرض از مبدأ	-۸,۸۱	-۳۳,۳۲*	۰,۰۰۰۰
نسبت آزاد سازی تجاری به درآمد ملی	-۰,۲۸	-۰,۴۸*	۰,۰۰۰۰
نسبت آزاد سازی تجاری به واردات	-۰,۸۹	-۵,۷۳*	۰,۰۰۰۰
نسبت آزاد سازی تجاری به مخارج مصرفی	-۰,۳۲	-۰,۸۵*	۰,۰۰۰۰

*دال بر معنی دار بودن ضرایب در سطح احتمال ۱٪ و کمتر است.

منبع: یافته های تحقیق

۵) نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج حاصله نشان داده است که میان نسبت آزادسازی تجاری به درآمد مالی، نسبت آزادسازی تجاری به واردات و نسبت آزادسازی تجاری به مخارج مصرفی با شکاف فقر ارتباط منفی و معناداری وجود دارد و این نشان دهنده آن است که با افزایش رشد تجارت و گشودن درهای تجارت به روی سایر کشورها، صادرات به خصوص صادرات و واردات در کشورهای منتخب افزایش می یابد. با توجه به اهمیت و جایگاه خاص تحقیق حاضر، باید تصمیم گیران اقتصادی کشورهای در حال توسعه در برنامه های توسعه، فصل خاصی را برای این امر در نظر گرفته و اعتبارات ویژه ای برای آن منظور کنند. در باب توسعه آزادسازی تجاری در راستای کاهش شکاف فقر باید گفت که شرط اصلی برای راه یابی به بازارهای خارجی، همانا انجام تحقیقات و پژوهش در حیطه بازاریابی است که این امر با بالا بردن کیفیت محصولات تولیدی در عرصه رقابت میسر است که برای دستیابی به این امر باید بازارهای مصرف خارجی در حوزه های بازاریابی،

رفتاری و فرهنگی برای حضور همه جانبه و سنجیده در بازارهای خارجی شناسایی کنند و کیفیت محصولات تولیدی به جهت افزایش رقابت پذیری تولیدات داخلی در بازارهای خارجی ارتقا دهند. همچنین پیشنهاد می شود که با شیوه های نوین تجارت مانند تجارت الکترونیک و تجارت بین الملل برای حضور آگاهانه در بازارهای خارجی آشنا شوند و از تکنیک های مدیریتی و بویژه مدیریت منابع انسانی به جهت افزایش بهره وری نیروی کار و جهت دهی نتایج حاصل از این موضوع در حوزه کاهش فقر و بی عدالتی استفاده کنند.

پیشنهاد می شود که رقابت پذیری سازمان در جنبه ها مختلف ساختاری، فرهنگی، استراتژیک، فناوری اطلاعات و غیره برای افزایش قابلیت های سازمان در بازارهای خارجی افزایش دهند، مزیت رقابتی در جنبه های مختلف برای شرکت به جهت تکیه بر آن در رقابت با رقبای خارجی، توجه به منابع انسانی و نیروی کار در این زمینه پیشنهاد می شود. و سرانجام افزایش سطح دانش و مهارت های مدیریتی مدیران فعال در واحدهای داخلی برای حضور در بازارهای خارجی به منظور افزایش درآمد ملی و کاهش شکاف فقر پیشنهاد می گردد.

منابع

۱. پور مقیم، سید جواد (۱۳۹۰)؛ تجارت بین الملل: نظریه ها و سیاست های بازرگانی، نشر نی، چاپ شانزدهم، چاپ اول ۱۳۷۵.
۲. حکمتی، فرید، جهانگیری، خلیل، مرادخانی، امید، (۱۳۹۴)، تأثیر جهانی شدن بر شاخص فقر انسانی، نظریه های کاربردی اقتصاد، سال دوم، شماره ۲، صص ۶۱-۸۰.
۳. شاه آبادی، ابوالفضل، امیری، بهزاد (۱۳۹۲)، تأثیر تجارت بر فقر در کشورهای گروه دی هشت، برنامه ریزی و بودجه، سال هجدهم، شماره ۴، صص ۴۲-۲۷.
۴. کریمی، مریم، (۱۳۹۰)، پایان نامه بررسی نقش صنایع تبدیلی در صادرات و رشد بخش کشاورزی با تأکید بر صنایع غذایی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده کشاورزی، صص ۳۰-۴۶.
۵. مروج خراسانی، مرضیه (۱۳۸۸)، وضعیت تورم و رابطه آن با فقر در ایران، دنیای اقتصاد، ۵ (۷)، ۱۱۹۳.
۶. علمی، زهرا، آریانی، فائزه (۱۳۹۱)، اثر تجارت بر توزیع در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، توسعه اقتصادی، شماره هفتم، پاییز، ۵۰-۲۹.
۷. عطر روشن، صدیقه، هاشمی، زهرا، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر باز بودن تجارت بر فقر در ایران با رویکرد سیستم معادلات همزمان، نظریه های کاربردی اقتصاد، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۸۳-۲۰۴.
8. Baldarrago, E, Salinas, G, (2017), Trade liberalization in pero, International monetary fund, IMFworking paper, 17/47.
9. Bergh A. and Nilsson T. (2014). Is globalization reducing absolute poverty. World Development, 62, 42-61.
10. Cardeal, Nuno and António, Nelson (2012); "Valuable, Rare, Inimitable Resources and Organization (Vrio) Resources Or Valuable, Rare, Inimitable Resources (Vri)

- Capabilities: What Leads To Competitive Advantage?”, African Journal Of Business Management.
11. Carneiro, Rafael and Brian Kovak, 2016, “Trade Liberalization and Regional Dynamics,” Bureau for Research and Economic Analysis of Development (BREAD) Working Paper No.488.
 12. Dess, Gregory G and Lumpkin, G.T. And Eisner, Alan B (2007); “Strategic Management Text and Cases”, McGraw.Hill.
 13. Menendez, M., Sztulman, A., & Castilho, M. (2009). Trade liberalization, inequality and poverty in brazilian states. European Trade Study Group. Faculty of Business and Economic, KU Leuven, Netherland.
 14. Topalova, Petia, 2010, “Factor Immobility and Regional Impacts of Trade Liberalization: Evidence on Poverty from India,” American Economic Journal: Applied Economics, Vol. 2 (4):1-41.